

نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مشگین‌شهر (مطالعه موردی: بخش مرکزی) وکیل حیدری ساربان^۱

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶۱۳۹۶/۰۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۳

چکیده

توانمندسازی فرآیندی است که طی آن زنان روستایی از نیازها و خواسته‌های خود آگاه می‌شوند و جرات دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند. بسیاری از پژوهشگران بر این عقیده هستند توانمندسازی زنان نمی‌تواند تنها محدود به عوامل اقتصادی، محیطی، زیربنایی، فیزیکی و اطلاعاتی، آموزشی و ترویجی باشد بلکه عامل دیگری به نام سرمایه اجتماعی هم بر این فرآیند مؤثر است. هدف این مقاله بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مشگین‌شهر می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق آن، از نوع تحقیقات تحلیلی-تبیینی است. که در آن با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی از طریق فرمول کوکران، ۱۹۶ نفر از زنان روستایی ساکن در مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسش‌نامه است. هم‌چنین در تحقیق حاضر جهت تعیین روایی پرسش‌نامه تهیه شده، از نظرات تنی چند از کارشناسان و استاتید برنامه‌ریزی روستایی، علوم ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی استفاده شده است. و پایایی آن با بهره‌گیری از فرمول کرونباخ-آلفا ($\alpha > 0/80$) و نرم افزار SPSS محاسبه گردید. نتایج عمده این مطالعات نشان داد به جز مولفه‌های تعاون اجتماعی و تضاد اجتماعی بین تمامی مولفه‌های سرمایه اجتماعی با توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مشگین‌شهر رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره در مورد توانمندسازی زنان روستایی نشان داد که متغیرهای مستقل مشارکت اجتماعی، میزان آگاهی، اعتماد به نهادها، میزان اطلاعات با خارج از اجتماع، اعتماد بین شخصی، اعتماد به غریبه‌ها، روابط رسمی و میزان تعامل با اعضای اجتماع قادرند ۰/۹۳ درصد از تغییرات در متغیر وابسته یعنی توانمندسازی زنان روستایی را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، توانمندسازی زنان روستایی، توسعه روستایی، شهرستان مشگین‌شهر.

مقدمه

آمارهای موجود نشان از آن دارد که وضعیت زنان در فرآیند توسعه مساعد نبوده و به آنان به عنوان یک عامل بنیادی توجه نشده است. هم‌اینک ۹۰ درصد کشورهای جهان دارای تشکیلاتی برای پیشرفت اجتماعی زنان هستند با وجود این، آنان به دلیل آموزش کم، نداشتن اعتماد به نفس مسئولیت‌های گوناگون و سنگین، حضور اندکی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری دارند (عرب مازار، سعدی، ۱۳۸۳) توجه به نقش گسترده زنان روستایی در فرآیند توسعه از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. زنان روستایی نه تنها نیروی عمده‌ای در ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشرفت اقتصاد روستایی و افزایش هر چه بیشتر رشد تولیدات مواد غذایی به شمار می‌روند، بلکه دارای نقش اساسی در ابعاد فرهنگی و معنوی این تحولات و پیشرفت‌ها می‌باشند. شواهد موجود نشان می‌دهد که زنان روستایی ایران در طی سده‌های گذشته در عرصه فعالیت اقتصادی-اجتماعی و غیره نسبت به کل جامعه فعالیت‌های چشم‌گیری داشته‌اند که از دید روشنفکران و پژوهش‌گران غالباً دور مانده است (روستا و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۴-۹۳). طبق تحقیقات انجام شده در کشورهای در حال توسعه، زنان در اجتماعات روستایی نقش حیاتی ایفاء می‌کنند، آن‌ها عهده‌دار انواع فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، کسب درآمدهای اندک و اشتغال در مشاغل با دستمزدهای ناچیز هستند. اما واقعیت آن است که توانایی آنان به میزان کمتری ارزش‌گذاری شده است، و از توانایی‌های زنان روستایی برای ساختن بهتر زندگی خود، خانواده و اجتماع به درستی استفاده نشده است. (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۸) از این رو محققان و نظریه‌پردازان در زمینه‌های مختلف علمی برای فهم عمیق‌تر سازوکارهای توانمندسازی زنان روستایی، تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند. به زعم آلدورف^۱ (۲۰۰۶) توانمندسازی مترادف با تبدیل نیروی کار جسمی به فکری می‌باشد. هم‌چنین توانمندسازی، تشویق افراد به مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌هایی می‌باشد که بر فعالیت‌های آنان تأثیر گذار است (سید جوادین و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۷).

مع‌الوصف با مراجعه به برخی از مکاتب و نظریات جامعه‌شناسی می‌توان دریافت که جهت بررسی پدیده‌ها باید دید سیستمی داشت. مثلاً برای شناخت علل عدم فرآیند انگیزش درونی، عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و عدم بهبود مهارت، دانش، شایستگی، پایین بودن کفایت نفس و اعتماد به نفس زنان روستایی و غیره و در یک کلام عدم توانمندسازی زنان روستایی باید موضوعات را فراتر از ابعاد سطحی‌شان مورد مطالعه قرار داد، به طوری که دید سیستمی روح غالب و اساس بررسی باشد. بر این مبنای، باور اولیه در این تحقیق این می‌باشد که توانمندسازی زنان روستایی نمی‌تواند تنها محدود به عوامل اقتصادی، محیطی، زیربنایی، فیزیکی و اطلاعاتی و آموزشی و ترویجی باشد بلکه عامل دیگری به نام سرمایه اجتماعی هم بر این فرآیند مؤثر است و از آنجایی که اکثریت زنان روستایی در کشورهای جهان سوم از سرمایه فیزیکی و مالی در سطح پایینی برخوردار هستند، لذا در این بین توجه به سرمایه اجتماعی به عنوان یک سرمایه جایگزین می‌تواند در راستای ارتقای میزان دانش، مهارت و تغییر نگرش بسیار مثمر ثمر باشد. اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، مبادله اطلاعات و شبکه روابط اجتماعی مهم‌ترین

^۱.Alendorf

مولفه‌های سرمایه اجتماعی در یک اجتماع می‌باشند. در میان زنان روستایی می‌توان با تغییر در این مولفه‌ها در امر توانمندسازی زنان روستایی و در نهایت توسعه روستایی تأثیر گذاشت.

واکاوای اسناد و مدارک نشان می‌دهد از آن جایی که توانمندسازی زنان یک پدیده اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی تک علتی نیستند، توانمندشدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد؛ در این خصوص، از یک سو عوامل درونی، هم چون وضعیت روانی و جسمانی و وضعیت اقتصادی خانواده، و از سوی دیگر ساختارهای اجتماعی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند در این میان، بسیاری از دانشمندان و محققان با پررنگ‌تر کردن نقش ساختارهای اجتماعی، تاکید ویژه‌ای بر سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن به منزله یکی از عوامل تاثیرگذار بر توانمندسازی گروه‌ها و قشرهای مختلف جامعه از جمله زنان دارند. و بررسی‌های محقق نشان داد که شهرستان مشگین شهر بر مبنای شاخص‌های مختلف انسانی به ویژه جنسیت، بسیار متفاوت بوده و زنان در وضعیت به مراتب حادثری در مقایسه با مردان به سر می‌برند؛ به عنوان نمونه، از نظر نرخ بیکاری، میزان این شاخص برای مردان ۱۴/۵ درصد و برای زنان در حدود ۳۱ درصد و یا از نظر نرخ مشارکت اقتصادی، میزان این شاخص برای مردان ۵۵/۵ درصد بوده، در حالی که برای زنان روستایی فقط ۱۱ درصد است و با توجه به وجود چنین شرایطی و وضعیت نامطلوب زنان روستایی در سطح شهرستان، و با در نظر گرفتن نقش انکارناپذیر آنها در فرآیند توسعه روستایی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ضروری است با بررسی دقیق شرایط موجود، به زمینه‌سازی برای توانمندسازی و بهبود سطح توانمندسازی زنان روستایی در مناطق مختلف شهرستان مشگین شهر پرداخته شود بر اساس مطالب اشاره شده هدف کلی پژوهش حاضر بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مشگین شهر است و این تحقیق به دنبال آن است که این سؤال را مورد بررسی و کاوش قرار دهد: که آیا بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مشگین شهر ارتباط معنادار وجود دارد؟ به همین خاطر ابتدا مبانی نظری سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سپس نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی بررسی گردیده است و از آنجایی که در سطح استان تاکنون مطالعه خاصی در خصوص نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی صورت نگرفته است به همین خاطر مقاله حاضر در راستای بررسی اثرات سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی در مناطق روستایی شهرستان مشگین شهر می‌باشد.

مبانی نظری

تاکیدات بر توانمندسازی زنان، نه تنها به دلایل انسان‌دوستانه و عدالت جنسیتی بلکه به دلیل اهداف توسعه‌ای و نقشی که در ارتقای بهره‌وری و رشد اقتصادی جوامع دارد صورت گرفته و زنان به عنوان عواملان توسعه قلمداد شده‌اند. از این رو، آنان در خط مقدم مبارزه با فقر در نظر گرفته شده‌اند. که به دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی قدرت مشارکت چندانی در فرآیند تصمیم‌گیری جامعه و خانواده پیدا نکرده‌اند. (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳).

متون توسعه نشان می‌دهد از زمان طرح موضوع نقش زنان در توسعه، رهیافت‌های متفاوتی برای تعریف محتوای برنامه‌های آنان در مقاطع مختلف تاریخی بیان شده است که می‌توان آن را در سه نوع کلی، نظریات رفاهی، مساوات و فقرزدایی، نظریات کارآیی و نظریات توانمندسازی مطرح نمود. نظریه مقبولتر امروزی توانمندسازی می‌باشد. این

نظریه استقلال سیاسی و اقتصادی را دو جز مهم دانسته و مشارکت زنان در حیات اجتماعی را توصیه می‌کند (شجاعی، ۱۳۷۹). در این میان نظریه توانمندسازی بر مبنای تالیفات فمینیست‌ها و با تکیه بر تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفته‌اند. این نظریات خواستار قدرت دادن به زنان، نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اتکای به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند. نظریه‌های یاد شده خواهان رفع نابرابری در جامعه، تأمین همه احتیاجات اولیه زنان، تقسیم کار در خانواده میان زن و مرد، امکان بهره‌برداری هر فرد از توانایی‌های خود و رفع تبعیض‌های قانونی بین زن و مرد هستند. سارالانگه، یکی از نظریه پردازان این گروه، معتقد است که برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله؛ رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل را طی کرد. در مرحله رفاه مادی زنان (مانند تغذیه و درآمد) بررسی می‌شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مدنظر قرار می‌گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار و سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات، آموزش‌های مهارت‌زا (که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد) و حتی محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آنها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود مشارکت می‌کنند. مشارکت آنان باید با شمار آنان در جامعه متناسب باشد. برابری در کنترل به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۱). در کل، نظریه توانمندسازی به اهمیت افزایش قدرت، افزایش حق انتخاب در زندگی و تاثیرگذاری بر اجتماع از طریق بدست گرفتن کنترل منابع مادی و غیر مادی تاکید اساسی دارد. آگبومه از جمله طرفداران دستیابی بیش‌تر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌باشد. وی معتقد است این امر موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیش‌تر زنان و افزایش عزت نفس آنها می‌گردد و این به معنای بهبود تصویری است که زنان از خود می‌بینند (خانی، مردانی، ۱۳۸۷: ۸۲). و توانمندسازی به معنی افزایش ظرفیت افراد گروه‌ها برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌هایی است که بر فعالیت آنها مؤثر است یعنی این که فضایی برای افراد فراهم شود تا بتوانند ایده‌های خوبی بیافرینند و آنها را به عمل تبدیل کنند. توانمندسازی عنصر حیاتی در دنیای نوین است (حیدری ساربان، ۱۳۹۲: ۱۵۶) و توانمندسازی زنان به معنای کسب قدرت تفکر و اقدام آزادانه، توسعه خودارزشمندی، اعتقاد به توانایی ایجاد تغییرات مطلوب در خود، قدرت چانه‌زنی، بالفعل نمودن همه پتانسیل‌های زنان و برابری در جامعه است. به طور کلی توانمندسازی زنان کنترل آنها بر زندگی خودشان در هر فعالیت و فرآیندی است (قلی پور و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۹). علاوه بر این، بنابر مطالعات محققان و صاحب‌نظران، توانمندسازی مفهومی چندبعدی است که شامل پنج بعد شناختی: احساس خود اثربخشی^۱، خودمختاری^۲، احساس تاثیرگذاری^۳، احساس معنی‌دار بودن^۴ و احساس اعتماد^۵ می‌گردد و جمعاً منعکس کننده جهت‌گیری شخصی نسبت به شغل و نقش فرد در فضای کسب و کار می‌باشند (عبداللهی و حیدری، ۱۳۸۸: ۶-۵). به باور پرسر و سن

^۱.Self-effectiveness

^۲.Self-Determination

^۳.Impact

^۴.Meaning

^۵.Trust In others

(۲۰۰۸)، توانمندسازی زنان روستایی اساسی‌ترین راهبرد در راستای به وجود آوردن حداقل شرایط ممکن در نیل به برابری جنسیتی در مناطق روستایی می‌باشد که از پایین به بالا و به صورت دلبخواهی و با خواست درونی زنان روستایی صورت می‌گیرد نه به صورت کلیشه‌ای و از بالا به پایین و بدون خواست و اراده زنان روستایی. و در نهایت هدف غایی آن رساندن زنان به جایگاه واقعی خودشان و در نهایت کنار گذاشتن زنجیرهای اسارت و تبعیض است. به باور کابر^۱ (۲۰۰۱)، نتایج حاصل از توانمندسازی زنان روستایی، مترادف مشارکت آنان در تمامی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، تحقق برابری جنسیتی و کاهش فقر می‌باشد. به زعم کوئینگ و همکاران (۲۰۰۳)، توانمندسازی زنان در مناطق روستایی به نوعی حمایت از زنان جهت بالا بردن کیفیت، کارایی و به کارگیری ابتکارات شخصی، پرورش عاطفی، رشد خود^۲، افزایش بهره‌وری، فرصت جهت شکوفایی استعدادها، خلاقیت، انعطاف‌پذیری، بهبود عملکرد، تقویت اعتماد به نفس، استقلال در تصمیم‌گیری، تقویت کفایت نفس، ارتقای سلامت و بهداشت روانی و تصمیمات اثربخش می‌باشد، که به بهبود مداوم کیفیت زندگی و ارتقای رضایت آنان منجر می‌شود. لانگوه^۳ (۱۹۹۷) در یافته‌های میدانی خود دریافت بین توانمندسازی زنان با بهبود مهارت، دانش، شایستگی، عملکرد، حل مشکلات، افزایش عملکرد، بهره‌وری شغلی، یادگیری توانایی‌های جدید رابطه معناداری وجود دارد. راکاش^۴ (۲۰۱۰) بر این باور است که خودکارآمدی، کارآفرینی، انجام کار و فعالیت به طور موفقیت‌آمیز، ریسک‌پذیری، خودتصمیم‌گیری، آزادی عمل و تحت کنترل در آوردن موانع و محدودیت‌ها از اثرات توانمندسازی زنان روستایی می‌باشد. بانک جهانی در مطالعات خود (۲۰۰۵)، به ارتباط معنادار بین توانمندسازی و رضایت شغلی دست یافته است. هم چنین وندی^۵ بر این باور است با توانمندسازی زنان در مناطق روستایی سطح رفاه زیستی، سلامتی و تندرستی زنان روستایی افزایش می‌یابد هم چنین توانمندسازی با پرورش احساس شایستگی و بوجود آوردن آزادی عمل برای زنان روستایی این فرصت را بوجود خواهد آورد تا توانایی‌ها و مهارت‌های خود را بهبود بخشیده و موجبات اثر بخشی خود را فراهم سازند. آراستی^۶ (۲۰۰۷) بر این اعتقاد است توانمندسازی مترادف با خلق شرایطی برای زنان روستایی می‌باشد که این احساس در وجود آن‌ها پدیدار شود که توانایی کنترل بر سرنوشت خود را داشته باشند و می‌توانند در توسعه روستا نقش داشته باشند. هم‌چنین مطالعات رام (۲۰۰۹)، حاکی از آن است که توانمندسازی زنان روستایی موجبات تعهد کاری را در وجود آنان سبب می‌شود به این دلیل که، بعد از فرآیند توانمندسازی خوداندیشی زنان بالا می‌رود و متعاقب آن زنان با انگیزه مضاعف در راستای پیدا کردن راه حل جهت رفع مشکلات فراروی خود بر می‌آیند. نتایج یافته‌های پژوهش‌های امین و همکاران^۷ (۲۰۰۳)، حاکی از آن است که بین تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش میزان خودتعیینی، شایستگی و اعتماد رابطه معنی‌داری وجود دارد. ذکر این

^۱.Kaber

^۲.Self-developemnt

^۳.Longwe

^۴.Rakash

^۵.Wendy

^۶.Arasti

^۷.Amin et al

نکته لازم است امروزه استفاده از توانایی و استعداد درونی زنان روستایی، یکی شیوه‌های مناسب رسیدن به هدف است که می‌تواند در قالب رویکرد تقویت سرمایه اجتماعی بروز کند.

شایان ذکر است مطالعات سرمایه اجتماعی در علوم اجتماعی به سرعت رشد کرده و کاملاً شناخته شده است، تا جایی که به عنوان عنصر مشهود در دامنه وسیعی از خطومشی اجتماعی از جمله توسعه اقتصادی، بهداشت، توسعه اجتماعی، محرومیت اجتماعی و مبارزه با فقر تبدیل شده است (Falk, Kilpatrick, 2007: 12). سرمایه اجتماعی هم چون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (یعنی ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فرد را افزایش می‌دهد)، به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه، هنجارها و اعتماد اشاره دارند، که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند، سرمایه اجتماعی سود سرمایه گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشم‌گیری برخوردار است، همکاری آسان‌تر است (ازکیا، فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۸۱). مطالعات متعددی پیرامون مزایای سرمایه اجتماعی صورت گرفته است که در این راستا، بوردیو معتقد به توانایی سرمایه اجتماعی در ایجاد منابع اقتصادی می‌باشد (Flora, 2001: 482-48). به باور پانتاجو (۲۰۰۹)، سرمایه اجتماعی شی واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افراد را در درون ساختار تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دست‌یابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست نیافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد. به اعتقاد پیر بوردیو سرمایه اجتماعی مجموعه منابع بالقوه و واقعی است که حاصل شبکه‌های با دوام از روابط کما بیش آشنایی، شناخت متقابل و عضویت در گروه است (سردارنیا، ۱۳۸۷: ۱۳۴). به باور بیگیتون و پرالات (۲۰۰۰)، بین تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی از منظر معنی‌داری و اثرگذاری در نیل به توسعه روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به زعم مایوکس^۱ (۲۰۰۸) بین سرمایه اجتماعی و ارتقای ابتکارات شخصی، احساس توانایی کنترل بر سرنوشت خود، توسعه خودارزشمندی و اعتقاد به ایجاد تغییرات مطلوب در خود رابطه معناداری وجود دارد. فرانسیس (۲۰۰۹)، نیز معتقد است که سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی در یک سیستم اجتماعی دانست. از دید بانگ جهانی سرمایه اجتماعی چسبی است که پیوند بخش‌های جامعه را نگه می‌دارد. سرمایه اجتماعی منابعی است که از، یا در درون شبکه‌های کسب و کار یا فردی در دسترس است. این منابع همه اطلاعات، اندیشه‌ها، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب و کار، سرمایه ملی، توان نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیر خواهی، اعتماد و همکاری را در بر می‌گیرد. (سیروس کرراهی، ۱۳۸۷: ۲۳۰). علاوه بر این او برین (۲۰۰۰)، در سال ۱۹۹۸ با پیروی از تقسیم بندی پاتنام دو مفهوم روابط اجتماعی درونی و بیرونی را برای بیان روابط اجتماعی موجود در جامعه روستایی مطرح می‌کند. روابط اجتماعی درونی به سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و روابط اجتماعی بیرونی به سرمایه اجتماعی بین‌گروهی اشاره می‌کند. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، پیوندهای درونی اجتماع است که افراد فقیر به ویژه زنان روستایی را در جامعه روستایی قادر می‌سازد تا بتوانند از منابع، امکانات و مساعدت‌های اجتماع خود به بهترین شکل ممکن

^۱.Mayoux

بهره‌مند شوند. این شکل از سرمایه به صورت پیوندهای بسیار قوی میان اعضای اجتماع نمایان می‌شود. در نهایت همان‌طوری که گفته شد با توجه به اینکه زنان درصد قابل توجهی از جمعیت روستاییان را در ایران تشکیل می‌دهد و در این ارتباط یکی از ابعاد مهم توجه به زنان روستایی در راستای توسعه روستایی توجه به روابط آنها با یکدیگر در این مسیر است. سطح روابط این زنان از روابط ساده در روستاها تا روابط به شکل سازمان یافته و در قالب انجمن‌ها و نهادها متغیر است. هم‌چنین فرض بر این است که یک رابطه‌ای مستقیم و علت و معلولی بین تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی وجود دارد. و اثرات توانمندسازی زنان روستایی که در برگیرنده کاهش آسیب‌پذیری زنان روستایی از جنبه‌های مختلف، ارتقای اطلاعات اقتصادی، اشتغال‌زایی، کاهش مرگ‌ومیر و ارتقای ظرفیت‌های شناختی (آگاهی و دانش) و غیره می‌باشد جز در سایه تقویت اعتماد بین شخصی، تعاون اجتماعی، تعامل اجتماعی، تحقق کار تیمی، کاهش تعارضات، ایجاد نیروی عظیم هم‌افزایی، تقویت روابط مبتنی بر صداقت و اعتماد متقابل، نهادینه شدن ارزش‌ها و اهداف مشترک، همکاری به عنوان یک ضرورت، مشارکت فعال، تبادل اجتماعی بالا، اشتراک اطلاعات و دانش، عضو یک خانواده مشترک بودن و در یک کلام سرمایه اجتماعی ممکن نیست.

به باور کلمن^۱ (۲۰۰۰)، وجود مولفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی در میان زنان روستایی، باعث افزایش مهارت‌های ارتباطی، تقویت روحیه تعاون و همیاری در در بین زنان روستا، افزایش میزان تماس با کارشناسان و مروجین کشاورزی می‌شود و موجب می‌شود به کار دیدگاه مثبت پیدا کنند حقوق دیگران را رعایت کنند و متعاقب آن مسئولیت‌پذیری و همبستگی با سایر روستاییان در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به دلیل داشتن مهارت و قدرت استفاده از مهارت فنی ارتقای پیدا کند و در نهایت منجر به اقدام جمعی و توانمندسازی آنان می‌گردد. لیپی^۲ (۲۰۰۹) بر این باور است در جایی که سرمایه اجتماعی قوی است زنان روستایی احساس خود اثربخشی، خودمختاری، تاثیرگذاری و معنی‌داری بالایی را در مناطق روستایی تجربه می‌کنند. به زعم بینتن^۳ (۲۰۰۷) بین سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی با ابعاد خود تعینی، شایستگی، مداخله‌های مالی، مداخله‌های بازاریابی و اعتماد رابطه معناداری وجود دارد. جاک^۴ (۲۰۰۵)، در یافته‌های خود به این نتیجه رسید که بین اعتماد زنان به نهادها و مشارکت اجتماعی آنان با توسعه دانش، نگرش و مهارت آنان رابطه مستقیم وجود دارد. سوبلز^۵ و همکاران (۲۰۰۷)، در یافته‌های میدانی خود دریافتند که هرچه قدر تعامل و تعاون اجتماعی در بین زنان روستایی بیش‌تر باشد به همان میزان دانش، توان مدیریت، مشارکت با دیگر فعالان و کار گروهی و فردی زنان روستایی بالا می‌رود. دونالد^۶ و همکاران (۲۰۰۷)، بیان کردند بین مبادله اطلاعات با اعضای نظام اجتماعی، اعتماد بین شخصی و شبکه روابط غیر رسمی با خودباوری، پذیرش اجتماعی، تمایل به ایجاد تنوع و داشتن قابلیت انعطاف و انطباق با شرایط

^۱.Coleman

^۲.Lipi

^۳.Beingen

^۴.Jacek

^۵.Sobles

^۶.Donald

متغیر محیطی زنان روستایی رابطه معناداری وجود دارد. مطالعه جالبرت^۱ (۲۰۱۰)، موید این واقعیت است که بین ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی با ارتقای مولفه‌های خودتعییی، شایستگی، تأثیر، معنی‌داری و اعتماد رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. ویلیامز^۲ (۲۰۰۷) در یافته‌های میدانی خود به این نتیجه رسید هر چه قدر سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی بیشتر باشد به همان میزان استعدادها، شایستگی‌ها و توانایی‌های زنان روستایی شکوفا می‌شود.

در نهایت بین ارتقای مولفه‌های سرمایه اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، مبادله اجتماعی، مبادله اطلاعات، شبکه روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی) با ریسک‌پذیری، ابتکار و خلاقیت، کارآفرینی، فقرزدایی، ارتقاء شاخص‌های رفاه، مداخله‌های مالی، مداخله‌های بازاریابی، مداخله‌های اجتماعی، داشتن دیدگاه مثبت به کار، رعایت حقوق دیگران، داشتن تعهد، مسئولیت‌پذیری، همبستگی با سایر روستاییان در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، اعتماد به نفس، پیشقدمی در کارهای گروهی، سعی در تبدیل تهدیدات به فرصت، اعتقاد به وجود نداشتن کار غیر ممکن، احساس پیشرفت در قبال نتایج خود کنترل، قادر بودن به استفاده از تمام مهارت‌ها و توانمندی‌های خود و در نهایت تعهد در قبال پایداری محیط روستایی و توانمندسازی زنان روستایی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به روش تحلیلی-تبیینی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات بر اساس مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی انجام شده است. ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد. جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق شامل زنان روستایی بخش مرکزی شهرستان مشگین‌شهر می‌باشد که تعداد ۵۶۳۰۸ نفر را شامل می‌شود. در این تحقیق تعداد ۱۹۶ نفر از زنان روستایی بخش مرکزی شهرستان مشگین‌شهر از طریق نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. برای بالا بردن میزان دقت و اعتبار یافته‌ها، حجم اعضا به ۲۰۰ نفر افزایش یافت. روایی صورتی^۳ پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان^۴ مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما^۵ در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار SPSS، پایایی^۶ بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۵ الی ۰/۸۷ بدست آمد. متغیرهای مستقل این تحقیق شامل مولفه‌های سرمایه اجتماعی (شامل: مشارکت اجتماعی، میزان آگاهی، اعتماد به نهادها، اطلاعات با خارج از اجتماع، اعتماد بین شخصی، اعتماد به غریبه‌ها، روابط رسمی و میزان تعامل با اعضای اجتماع) و متغیر وابسته شامل شاخص‌های توانمندسازی (صداقت، نگرش مثبت، میزان تفاهم جمعی، پذیرش اجتماعی، اثربخشی، انگیزش درونی، تمرکز بر نتایج، ابتکار عمل، پذیرش رهبری، مهم بون کار و فعالیت، مسئولیت‌پذیری، میزان قاطعیت در کار و فعالیت، خلاقیت، خود اتکایی، ریسک‌پذیری، مساله‌یابی، خود مختاری، خود آغازگری و داوطلبانه و غیره) مناطق روستایی می‌باشد. متغیر وابسته نوشتار حاضر شاخص‌های توانمندسازی

^۱. Jalbert

^۲. Williams

^۳. Face Validity

^۴. Panel of Expert

^۵. Pilot study

^۶. Reliability

در مناطق روستایی شهرستان مشگین شهر می‌باشد. در این نوشتار، متغیر وابسته در ۳۴ گویه به شیوه خودسنجی با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم=۰، کم=۱، متوسط=۲، زیاد=۳، و خیلی زیاد=۴) اندازه‌گیری شد. برای تجزیه و تحلیل از آمار توصیفی (فراوانی، درصد) و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است و کلیه محاسبات آماری این پژوهش بوسیله نرم افزار SPSS، انجام گرفته است.

یافته‌ها

با توجه به جدول ۱، بین متغیرهای روابط رسمی ($r = -0/197$) و تعامل اجتماعی ($r = -0/216$)، با توانمندسازی زنان روستایی رابطه منفی و معنی‌دار به ترتیب در سطح $0/018$ و $0/009$ وجود دارد و بین متغیرهای اعتماد به نهادها ($r = 0/204$)، مشارکت اجتماعی ($r = -0/208$)، روابط غیر رسمی ($r = 0/217$)، اعتماد بین شخصی ($r = 0/775$)، مبادله اطلاعات با خارج از اجتماع ($r = 0/682$)، اعتماد به غریبه‌ها ($r = 0/400$)، مبادله اطلاعات با اعضای اجتماع ($r = 0/342$)، و میزان آگاهی ($r = 0/397$)، با توانمندسازی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری به ترتیب در سطح $0/014$ ، $0/012$ ، $0/009$ و $0/000$ وجود دارد. ولی بین متغیرهای تعاون اجتماعی ($r = 0/023$) و تضاد اجتماعی ($r = 0/048$) با توانمندسازی زنان روستایی هیچ رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول (۱): همبستگی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با توانمندسازی

ردیف	متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (p)
۱	تعاون اجتماعی	۰/۰۲۳	۰/۷۸۵
۲	تضاد اجتماعی	۰/۰۴۸	۰/۵۶۴
۳	اعتماد به غریبه‌ها	۰/۴۰۰	۰/۰۰۰
۴	مشارکت اجتماعی	۰/۲۰۸	۰/۰۱۲
۵	روابط غیر رسمی	۰/۲۱۷	۰/۰۰۹
۶	اعتماد بین شخصی	۰/۷۷۵	۰/۰۰۰
۷	اعتماد به نهادها	۰/۲۰۴	۰/۰۱۴
۸	مبادله اطلاعات با خارج از اجتماع	۰/۶۸۲	۰/۰۰۰
۹	مبادله اطلاعات با اعضای اجتماع	۰/۳۴۲	۰/۰۰۰
۱۰	روابط رسمی	-۰/۱۹۷	۰/۰۱۸
۱۱	تعامل اجتماعی	-۰/۲۱۶	۰/۰۰۹
۱۲	میزان آگاهی	۰/۳۹۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش.

مطابق جدول (۲)، به منظور تعیین اثرات سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. هشت متغیر مستقل با متغیر وابسته (توانمندسازی زنان روستایی) دارای رابطه معنی‌دار در سطح $p = 0/05$ بوده‌اند. لذا هشت متغیر برای پیش‌بینی متغیر وابسته مورد استفاده واقع شدند. هم‌چنین در اولین گام مشارکت اجتماعی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر $0/77$ و ضریب تعیین برابر $0/60$ بدست آمد، به عبارتی دیگر $0/60$ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی توانمندسازی زنان روستایی توسط این متغیر تبیین می‌گردد. در گام دوم متغیر میزان آگاهی وارد معادله گردید. این متغیر ضریب همبستگی چندگانه را به $0/88$ و مقدار ضریب تعیین را نیز تا حد $0/77$ بالا برد. در گام سوم ضریب همبستگی چندگانه برابر با $0/91$ و ضریب تعیین برابر با $0/83$ بدست آمد، و سهم خالص این متغیر ۶ درصد می‌باشد. هم‌چنین، در مدل چهارم وقتی میزان اطلاعات با خارج از اجتماع وارد معادله می‌شود مقدار R به $0/93$ و مقدار R^2 به $0/88$ درصد افزایش

می‌یابد و سهم خالص این متغیر ۵ درصد می‌باشد. در مدل پنجم، وقتی متغیر اعتماد بین شخصی وارد معادله می‌شود مقدار، R به ۰/۹۴ و مقدار R^2 ، به ۰/۸۹ درصد افزایش می‌یابد و سهم خالص این متغیر ۱ درصد می‌باشد. در مدل ششم، وقتی متغیر اعتماد به غریبه‌ها وارد معادله می‌شود مقدار، R به ۰/۹۵ و مقدار R^2 ، به ۰/۹۱ درصد افزایش می‌یابد و سهم خالص این متغیر ۲ درصد می‌باشد. در مدل هفتم، وقتی متغیر روابط رسمی وارد معادله می‌شود مقدار، R به ۰/۹۶ و مقدار R^2 ، به ۰/۹۲ درصد افزایش می‌یابد و سهم خالص این متغیر ۱ درصد می‌باشد. در نهایت در مدل هشتم وقتی میزان تعامل با اعضای اجتماع وارد معادله می‌شود مقدار، R به ۰/۹۶ و مقدار R^2 ، به ۰/۹۳ درصد افزایش می‌یابد یعنی این ۸ متغیر ۰/۹۳ درصد از واریانس مربوط به توانمندسازی زنان روستایی را تبیین می‌کنند. و سهم خالص متغیر میزان تعامل با اعضای اجتماع ۱ درصد می‌باشد یعنی ۱ درصد از تغییرات مربوط توانمندسازی زنان روستایی توسط این متغیر تبیین می‌شود.

جدول (۲): نتایج حاصل از رگرسیون چند گانه با ورود متغیرهای مولفه‌های سرمایه اجتماعی به معادله

مدل	R	R^2	R^2 تعدیل شده	مقدار F	سطح معنی‌داری F	Beta	مقدار t	مقدار p
مشارکت اجتماعی	۰/۷۷۶	۰/۶۰۲	۰/۵۹۹	۲۱۵/۹۵	۰/۰۰۰	۰/۷۸۳	۳۴/۶۷	۰/۰۰۰
میزان آگاهی	۰/۸۸۳	۰/۷۷۹	۰/۷۷۶	۲۵۰/۳۸	۰/۰۰۰	۰/۴۰۴	۱۷/۵۵	۰/۰۰۰
اعتماد به نهادها	۰/۹۱۴	۰/۸۳۵	۰/۸۳۱	۲۳۷/۵۱	۰/۰۰۰	۰/۲۲۸	۱۰/۱۴	۰/۰۰۰
اطلاعات با خارج از اجتماع	۰/۹۳۹	۰/۸۸۲	۰/۸۷۸	۲۶۱/۲۲	۰/۰۰۰	۰/۱۸۳	۷/۶۷	۰/۰۰۰
اعتماد بین شخصی	۰/۹۴۸	۰/۸۹۹	۰/۸۹۶	۲۴۸/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۱۳۶	۶/۰۶	۰/۰۰۰
اعتماد به غریبه‌ها	۰/۹۵۶	۰/۹۱۳	۰/۹۰۹	۲۴۱/۶۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۵	۵/۹۱	۰/۰۰۰
روابط رسمی	۰/۹۶۴	۰/۹۲۹	۰/۹۲۵	۲۵۶/۱۳	۰/۰۰۰	۰/۱۳۲	۵/۸۰	۰/۰۰۰
میزان تعامل با اعضای اجتماع	۰/۹۶۵	۰/۹۳۲	۰/۹۲۸	۲۳۲/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۵۶	۲/۴۱	۰/۰۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش.

هم چنین ضریب همبستگی دو شکل سرمایه اجتماعی (ساختاری و شناختی) به همراه متغیر وابسته تحقیق (توانمندسازی زنان روستایی) که از نوع داده‌های فاصله‌ای بودند و بوسیله آزمون همبستگی پیرسون مورد سنجش قرار گرفتند. و همان‌طوری که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد هر دو شکل از سرمایه اجتماعی، ساختاری (۰/۲۶۶) F و شناختی (۰/۸۱۱) F دارای رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد با متغیر توانمندسازی زنان روستایی هستند.

جدول (۳): میزان همبستگی مولفه‌های سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی با توانمندسازی

ردیف	توانمندسازی زنان روستایی	میزان همبستگی (F)	سطح معنی‌داری (P)
۱	سرمایه اجتماعی ساختاری	۰/۲۶۶	۰/۰۰۱
۲	سرمایه اجتماعی شناختی	۰/۸۱۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

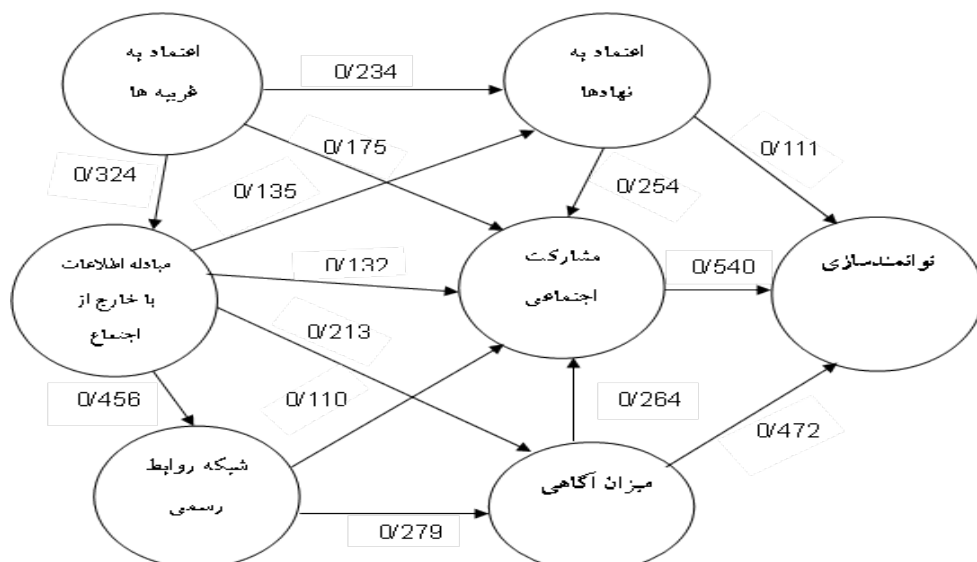
علاوه بر این، ضریب همبستگی دو شکل سرمایه اجتماعی (درون گروهی و برون گروهی) به همراه متغیر وابسته تحقیق (توانمندسازی زنان روستایی) که از نوع داده‌های فاصله‌ای بودند و بوسیله آزمون همبستگی پیرسون مورد سنجش قرار گرفتند و همان‌طوری که در جدول شماره (۴) نشان داده شده است هر دو شکل از سرمایه اجتماعی، درون گروهی (۰/۲۰۶) F و برون گروهی (۰/۲۹۴) F دارای رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد با متغیر توانمندسازی زنان روستایی هستند.

جدول (۴): میزان همبستگی سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی با توانمندسازی

ردیف	توانمندسازی زنان روستایی	متغیرها	میزان همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)
۱	سرمایه اجتماعی درون گروهی	۰/۲۰۶	۰/۰۱۳	
۲	سرمایه اجتماعی برون گروهی	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش.

شایان ذکر است در این مرحله به صورت یکجا به تحلیل مسیر مولفه‌های اصلی تاثیرگذار سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی مبادرت شده است بر اساس نتایج حاصل از تحلیل مسیر، مولفه‌های اعتماد به نهادها، مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی بر متغیر وابسته تأثیر مستقیم داشته‌اند. و متغیرهای شبکه روابط رسمی، مبادله اطلاعات با خارج از اجتماع، اعتماد به غریبه‌ها، اعتماد به نهادها، اعتماد به غریبه‌ها از خارج از اجتماع، اعتماد به غریبه‌ها علاوه بر اثرات مستقیمی که بر افزایش میزان توانمندسازی زنان روستایی در روستاهای نمونه داشته با تاثیرگذاری بر سه مؤلفه دیگر، اثرات غیر مستقیمی نیز در این زمینه داشته است که نباید مورد بی توجهی قرار گیرد. در نهایت ضرایب بدست آمده برای کلیه مسیرها در نمودار (۱) آمده است.



نمودار (۱): نمودار نهایی تحلیل مسیر همراه با ضرایب بتا

همانطوری که در جدول (۵) مشاهده می‌شود نتایج محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم هر متغیر مستقل و مجموع این اثرات حاکی از آن است که مؤلفه‌های میزان آگاهی (ضریب بتا=۰/۶۱۴)، مشارکت اجتماعی (ضریب بتا=۰/۵۴۰) و اعتماد به نهادها (ضریب بتا=۰/۲۴۸)، در بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به ترتیب موثرترین مولفه‌ها در توانمندسازی زنان روستایی می‌باشد.

جدول (۵): مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی

متغیرهای مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	مجموع اثرات
میزان آگاهی	۰/۴۷۲	۰/۱۴۲	۰/۶۱۴
مبادله اطلاعات با خارج از اجتماع	-	۰/۲۲۱	۰/۲۲۱
اعتماد به نهادها	۰/۱۱۱	۰/۱۳۷	۰/۲۴۸
مشارکت اجتماعی	۰/۵۴۰	-	۰/۵۴۰
روابط رسمی	-	۰/۲۳۰	۰/۲۳۰
اعتماد به غریبه‌ها	-	۰/۱۷۷	۰/۱۷۷

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

توانمندسازی زنان و مشارکت آنان در فرآیند مختلف زندگی در عین حال خود به عنوان یکی از نشان‌گرهای مهم موفقیت برنامه مبارزه با فقر تلقی شده است. هم‌چنین با عنایت به اثرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی، توانمندسازی ابزاری جهت مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌ها، احساس توانایی کنترل بر سرنوشت خود، پیدا کردن دیدگاه مثبت به کار و فعالیت، توسعه خود ارزشمندی، اعتقاد به ایجاد تغییرات مطلوب، بالفعل نمودن همه پتانسیل‌های زنان، تقلیل فقر، آگاهی از نیازها و خواسته‌های خود، تقویت کارآفرینی، فقرزدایی، نیل به برابری جنسیتی، رفع تبعیض، به کارگیری ابتکارات شخصی، پرورش عاطفی، تقویت رشد خود، تقویت کفایت نفس، بروز خلاقیت، تقویت اعتماد به نفس، ارتقای سلامت و بهداشت روانی، ارتقای بهره‌وری شغلی، ارتقای خوداندیشی زنان، حل مسائل و مشکلات فرارو، بهبود عملکرد و مهارت، ریسک‌پذیری، تقویت کارآفرینی، تقویت مداخله‌های مالی، بازاریابی، تعهد در قبال پایداری محیط روستایی و غیره محسوب می‌شود و با استناد به ادبیات نظری و یافته‌های میدانی تحقیق می‌توان ادعا نمود که تحقق توانمندسازی به میزان درخور توجهی تابعی از تقویت سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی می‌باشد.

همان‌طور که بحث شد این مقاله نقش سرمایه اجتماعی را در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مشگین‌شهر مورد بحث و بررسی قرار داده است. علاوه بر این، همان‌طوری که نتایج استنباطی تحقیق نشان داد به جز مولفه‌های تعاون اجتماعی و تضاد اجتماعی بین تمامی مولفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد به غریبه‌ها، مشارکت اجتماعی، روابط غیر رسمی، اعتماد شخصی، اعتماد به نهادها، مبادله اطلاعات با خارج از اجتماع، مبادله اطلاعات با اعضای اجتماع، روابط رسمی، تعامل اجتماعی و میزان آگاهی) با توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مشگین‌شهر رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این یافته با مطالعات (مانسون، ۲۰۰۵، ویتلی، ۲۰۰۹ و جاجوبی، ۲۰۰۴) مطابقت دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق بوسیله رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام نشان داد که ۸ مؤلفه مشارکت اجتماعی، میزان آگاهی، اعتماد به نهادها، میزان اطلاعات با خارج از اجتماع، اعتماد بین شخصی، اعتماد به غریبه‌ها، روابط رسمی و میزان تعامل با اعضای اجتماع بر اساس میزان بتای بدست آمده، به ترتیب به عنوان موثرترین مولفه‌های تبیین‌کننده میزان توانمندسازی زنان روستایی معرفی شدند. مقدار ضریب تعیین در گام هشتم برای این هشت متغیر ۰/۹۳ بدست آمده است. این مقدار نشان می‌دهد ۹۳ درصد از تغییرات توانمندسازی زنان روستایی را این هشت مؤلفه سرمایه اجتماعی تبیین می‌کند و بقیه تغییرات به عوامل دیگر بستگی دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد که مولفه‌های میزان آگاهی (ضریب بتا=۰/۶۱۴)، مشارکت اجتماعی (ضریب بتا=۰/۵۴۰)، اعتماد به نهادها (ضریب بتا=۰/۲۴۸) و شبکه روابط رسمی (ضریب بتا=۰/۲۳۰) در بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی به ترتیب موثرترین مولفه‌ها در توانمندسازی زنان روستایی می‌باشند. این یافته با مطالعات (چستون و کوهن، ۲۰۰۲ و کلی و باچایان، ۲۰۰۰) هم‌خوان است.

در نهایت، با استناد به نتایج تحقیق مبنی بر اینکه مشارکت اجتماعی زنان روستایی موجبات توانمندسازی آنان را فراهم می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود ترتیب آموزش‌هایی در این زمینه داده شود تا در مورد فواید مشارکت زنان

روستایی به آنان اطلاع‌رسانی شود هم چنین سازمان‌ها و نهادهای مردمی تقویت گردد که این عمل موجبات مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه‌ای روستا را بالا می‌برد و به دنبال آن سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند. هم‌چنین به تشکیل جلساتی در روستاهای هدف، دعوت از زنان در آن جلسات، شنیدن رأی و نظر آنها در تصمیم‌گیری جهت بهبود توانمندی‌های خود توسط مروجان کشاورزی اقدام شود. هم‌چنین شایسته است به دلیل ارتباط مبادله اطلاعات با خارج از نظام اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی شرایطی فراهم شود که زنان روستایی به راحتی بتوانند با نظام اجتماعی بیرون خود ارتباط برقرار کنند و در مورد فواید و محاسنات توانمندسازی بیش‌تر یاد بگیرند. علاوه بر این شبکه روابط رسمی در میزان توانمندسازی زنان روستایی مؤثر است. لذا مطلوب است، کارشناسان و مروجان کشاورزی با افزایش تعداد ملاقات با زنان روستایی و صحبت کردن با آنها در مورد فواید توانمندسازی، هم‌چنین ایجاد یک رابطه دوستانه و مبتنی بر اعتماد متقابل ضریب توانمندسازی زنان روستایی را بالا ببرند.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، تهران.
- حیدری ساریان، وکیل (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر توانمندسازی کشاورزان در مناطق روستایی شهرستان اهر، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۴۱، صص ۱۷۰-۱۵۵.
- خانی، فضیله، مردانی، مریم (۱۳۸۷) توسعه یافتگی و شاخص‌های فقر انسانی و جنسیتی، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۰۸-۷۵.
- خانی، فضیله و احمدی، منیژه (۱۳۸۸)، تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، صص ۹۵-۱۱۳.
- روستا، کوروش و تاجریزی، الهام (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونیهای تولیدی، مجله تعاون، وزارت تعاون، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۹۱-۱۰۹.
- سردارنیا، خلیل (۱۳۸۷)، اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، ماهنامه سیاسی اقتصادی، شماره ۲۶۰-۲۵۹، صص ۱۴۵-۱۳۲.
- سید جوادین، سید رضا، حیدری، حامد و شهبازمرادی، سعید (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی نیروی انسانی در خدمات بررسی موردی در نظام بانکی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۸۲۶-۱.
- سیروس کرراهی، مقدم (۱۳۸۷) سرمایه اجتماعی و تندرستی، ماهنامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۵، صص ۲۳۱-۲۲۸.
- شادی طلب، ژاله، وهابی، معصومه و ورمزیار، حسن (۱۳۸۳)، فقر زنان سرپرست خانوار، فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره چهارم، شماره ۱۷، صص ۲۴۷-۲۲۷.
- شکوری، علی، رفعت جاهد، مریم و جعفری، معصومه (۱۳۸۶) مولفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۶-۱.
- عبداللهی، بیژن، حیدری، سربیه (۱۳۸۸)، عوامل مرتبط با توانمندسازی اعضای هیات علمی دانشگاه؛ مطالعه موردی دانشگاه تربیت معلم تهران، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، دوره، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۱۱.
- عرب مازار، عباس، سعدی، حشمت‌ا... (۱۳۸۳)، بانک کشاورزی و حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار روستایی: نگاهی به طرح حضرت زینب کبری (س)، فصلنامه بانک تعاون کشاورزی، سال اول، شماره ۴، صص ۳۶-۲۱.
- عنایت، حلیمه و دسترنج، منصوره (۱۳۸۷)، بررسی رابطه اشتغال زنان با عزت نفس آنان با تاکید بر عوامل جمعیتی، مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز، دوره ۲۷، شماره ۵۴، صص ۸۱-۹۶.

- فرجی سبکبار، فرجعلی، خاکی، افشین و نعمتی، مرتضی (۱۳۸۸)، ارزیابی نقش ICT در توانمندسازی زنان روستایی، مطالعه موردی: روستای قرن‌آباد، مجله جغرافیا، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۱۷۵-۱۵۹.
- قلی پور، آرین، رحیمیان، اشرف و میرزمانی، اعظم (۱۳۸۷)، نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران، دوره ۶، شماره ۳، پژوهش زنان، صص ۱۳۲-۱۱۳.
- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و فرخی راستابی، زهرا (۱۳۸۲)، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۷، صص ۳۰-۵.
- کلانتری، خلیل، شعبانعلی فمی، حسین و سروش مهر، هما (۱۳۸۹)، بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی؛ مطالعه موردی شهرستان همدان، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۲۴-۱۰۷.
- Allendorf, K. (2006). Do women's land rights promote empowerment and child health in Nepal? *World Development*. 35 (11), 25- 63.
- Amin,R., Alexander, P and Ronlido,R (2001) NGO-promoted Micro programs and women's empowerment in rural Bangladash, Quantities and Qualities evidence, *The Journal of Developing Areas*, 2003: 221-223
- Arasti, Z(2007), Female Iranian entrepreneurs; socio-cultural structures contributing to job creation for women, *journal of women research*, 4 (12), 92-95.
- Bebbington,A and Perreault,T. (2001). Social capital, development, and access to resources in highland Ecuador. *Economic Geography*, 75(2), 396-397.
- Beingen,J (2010), Agricultural development policy and grassroots democracy in mali, the emergency of Mali farmer movement, *African Rural and Urban Studies*,1(1). 57-61.
- Cheston,S and Kuhn,L. (2002). Empowering women through microfinance, Publication sponsored by UNIFEM.
- Cole,R and Bachayan,P (2009), quality, participation and competitiveness, *California Management Review*,35 (3, 62-70
- Coleman,J. (2000). Social capital in the creation of human capital, *the American Journal of Sociology*, 94(3). 20-25
- Dhameja, S (2009). *Women and rural entrepreneurship*. Chandigarh: Abhishek Publications.
- Donall,F, Kuhn, and Perreault, T (2007) "entrepreneurship". Dryen press series in entrepreneurship, Hardcover, USA.
- Falk,I and Kilpatrick,S. (2005). what is social capital? A study of interaction in a rural community. *University of Tanzania, Launceston*, 12(3),20-35.
- Flora,J.L (2001). social capital and communities of places. *Rural Sociology*, 6 (3), 482-483.
- Jacek, H. (2005). psychological empowerment at the workplace as a predictor health. *Personality and individual differences*, 3 (9), 1237-1248.
- Jajeebhoy, S. (2000). *Women's autonomy in rural India dimension, determinants, and the influence of context, women's empowerment and demographic process: moving beyond Cairo*, New York, Oxford Press, 14(3),198- 221.
- Kabeer,N. (2001). Conflicts over credit: re-evaluating the empowerment potential of loans to women in rural Bangladesh. *World Development*, 29(1), 72-75.
- Koenig, M. (2006) do current measurement approaches underestimate levels of unwanted childbearing? Evidence from rural India. *Population studies*, 40(2). Pp.245-248.
- Lipi,J(2009) women empowerment: globalization and opportunities, in empowerment of rural women in India Kanishka Publisher, New Dehli.
- Longwe,S(2001) education for women's empowerment or schooling for subordination? UNICCO Studies for education, Hamurg, pp.18-21.
- Manson,K,O(2005) Measuring women empowerment: learning from cross -national research, Washington D.C: World Bank,12(2) pp.34-40.
- Mayoux,L. (2008) Tackling the down side, social capital, women's empowerment and west African Micro-finance, *Development and change* 32(3).pp.436-438.

- Obrein,D(2000)social capital and community development in rural Russia (<http://poverty.worldbank.org>)
- Pantoja,E (2009), Exploring the concept of social capital and its relevance for community-based development:the case of coal mining areas in Orissa, India, the World Bank,Washington D.C,12-53.
- Presser,H.Sen,G. (2008). women's empowerment and demographic process: moving beyond Cairo, New York, Oxford Press.
- Rakesh,R. (2010). Information technology in women empowerment, Global Journal of Finance and Management, ISSN 0975 – 6477, 2 (1), (2010), 69-78.
- Ram,N,T. (2009). empowerment of rural women in India, in empowerment of rural women in India Kanishka Publishers, New Dehli.
- Sobles,J, Bullen, P and Rifkin, S. (2007) the role of land care group networks in rural Australia: exploring the contribution of social capital. Journal of Rural Studies 1(7), 265-276.
- Thonmase, K., Rothstein, B. and Stolle, D. (1990). Cognitive elements of empowerment: an interpretative model, of intrinsic task motivation, Academy of management journal, 15 (4),666-681.
- Wendy, J, (2009) Women's empowerment and the creation of social capital in Indian villages, World Development, 38 (7), 975–979.
- Whiteley,P. (2009). Economic growth and social capital.Political Studies, 4 (8), 443-445.
- Williams, C. (2007). Socio-spatial variations in the nature of entrepreneurship, Journal of Enterprising Communities, People and Places in the Global Economy, 3 (6), 28-32.
- World Bank (2005) Empowerment in practice from analysis to implementation, Ruth Alsop.

